

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۶
۶ جمادی الاول ۱۴۳۹
۲۴ ژانویه ۲۰۱۸
سال یازدهم
شماره ۴۰۱۰
صفحه ۱۶
تومان ۲۰۰۰

اعتقاد

ETEMAD Wed □ 24 Jan 2018 □ vol.15 □ No. 4010 □ 16 Pages □ 20000 Rials

نظرخواهی «اعتقاد» از اقتصاددانان
آنچه رییس جمهور درباره اقتصاد نگفت

۱۲

امیر جدیدی / اعتقاد

سر مقاله

«پس از روحانی»

در یک نگاه اجمالی و با تکیه بر داده‌های موجود، می‌توان ریشه وقایع دی‌ماه سال جاری را در دو مقوله «سیاست» و «معیشت» جست. در این اعتراضات، چندین شعار به گوش رسید. گروهی دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی‌شان را مطرح کردند، گروهی اصلاح‌طلبان را خطاب قرار دادند، گروهی دیگر خواستار روکناری روحانی بودند و گروهی مجموعه حاکمیت را زیر سوال بردند و دست آخر بعضی، از بازگشت سلطنت سخن گفتند.

ادامه در صفحه ۰۳

نگاه روز

پول توجیبی و بودجه شورای نگهبان

اگر بخواهیم در میان نهادهای موجود کشور یکی را مهم‌تر از سایر نهادها معرفی کنیم، به نظر ما باید میان دستگاه قضایی و شورای نگهبان یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. اهمیت این دو نهاد، حتی قابل مقایسه با مجلس و دولت نیز نیست. در این یادداشت، فعلا شورای نگهبان را ترجیح می‌دهیم؛ شورایی که باید مظهر یک فرهنگ حقوقی و فقهی بالا باشد. شورایی که باید تصمیمات متفاوت است. فتاوی‌ای و او ادبیات فتوای خالی از تعلقات سیاسی و مادی باشد. قضات هم هم‌شان و متناسب با وجه قانونی آن باشد. برای نمونه هنگامی که می‌گوییم یک نفر مرجع تقلید است، این امر بدان معناست که همه اهل فن در باره لغت به لغت فتاوی‌ای این مرجع تقلید فکر و اظهار نظر و دقت می‌کنند. ادبیات یک مرجع تقلید از یک روحانی متوسط پاکیزه و دارای بار معنایی حقوقی و دقیق است. به دور از سیاست است. ادبیات یک مرجع تقلید نیز چنین است و نیز ادبیات شورای نگهبان باید از هر نظر شسته و رفته و به دور از کلمات غیر حقوقی و بر چسب زنی باشد.

متأسفانه باید گفت که برخی از اعضای شورای نگهبان و به‌طور مشخص سخنگوی محترم آن با چنین ادبیاتی آشنایی ندارند یا اگر آشناهم باشند علاقه‌ای در کار بردن آن ندارند. البته سخنگوی محترم قبلی این شورا به نوعی استثنا بود و شاید به همین دلیل نتوانست به کار خود ادامه دهد ولی سخنگوی کنونی شورای نگهبان را می‌توان با همین ادبیات به سخنگوی یک نهاد صراف سیاسی نیز تغییر بست داد. هر چند نهادهای سیاسی نیز بسیاری از امور را رعایت می‌کنند. اخیراً آقای سخنگوی شورای نگهبان در دفاع از بودجه این شورا اعلام کرد که «آنهاهی که انتقاد می‌کنند به سازمان برنامه و بودجه و دیوان محاسبات دسترسی دارند و می‌توانستند اطلاعات دریافت کنند ولی بودجه شورای نگهبان چیز زیادی بیشتر از پول توجیبی برخی از مسوولان نیست.» شاید برخی افراد در توجیه این نحوه ادبیات سیاسی و غیر حقوقی و حتی خارج از عرف، مدعی شوند که یک سهل‌انگاری و شاید شوخی در بیان منظور رخ داده است. در این باره باید گفت که ادبیات مبتنی بر شوخی نیز جایگاهی نزد این نوع نهادهای ندارد. حتی اگر بر اساس سهل‌انگاری بیان شده، باز هم جای تامل دارد که حتماً در پس ذهن آنان چنین چیزی هست که اکنون بیان شده است. جز این نکته در باره نقد این بیان باید به چند مورد دیگر نیز اشاره کرد.

۱- فرض کنیم که ارقام مورد نظر سخنگوی محترم شورای نگهبان به تعبیر دقیق پول توجیبی باشد. هر چند اگر هم نباشد، از این پس می‌تواند پول توجیبی تلقی شوند ولی آیا با پذیرش این فرض می‌توان نتیجه گرفت که بودجه شورای نگهبان باید از این رقم یا همان پول توجیبی بیشتر باشد؟ شورای نگهبان یا هر نهاد دیگر باید در برابر بودجه‌ای که می‌گیرد پاسخگوی تصمیمات خودشان باشند، نه اینکه بودجه را گوش‌خراشی فرض کنیم که هر کس سهمی بیشتر بطلد.

۲- نکته مهم ماجرا اینجاست که اگر پول توجیبی در بودجه وجود دارد، چگونه شورای نگهبان چنین بودجه‌ای را تصویب می‌کند؟ مگر معنا ندارد که مجلس به‌افراد پول توجیبی دهد و از آن مهم‌تر اینکه شورای نگهبان نیز آن را تصویب کند؟ این تعریض **ادامه در صفحه ۰۳** آشکار نه فقط به مجلس و نمایندگان آن است، بلکه زیر سوال بردن شورای نگهبان در انجام وظایف خویش نیز هست. زیرا پول توجیبی معنای خاصی دارد که به‌طور قطع تخصیص چنین بودجه‌ای برای هر مقامی خلاف مقررات و قانون اساسی است.

دولت دوازدهم و اقتصاد آزاد

روزی که آقای روحانی ابعاد بودجه را کالبدشکافی کرد و پرزگنورهای نظارتی خود را روی بودجه برخی نهادهای قرار داد، در میان جامعه روشنفکری و حتی افکار عمومی این امیدواری به وجود آمد که عالی‌ترین مقام اجرایی کشور کلید شفافیت بودجه را فشار داده و از این پس دخل و خرج دولت در پیشگاه جامعه مانیتور خواهد شد. بودجه ۹۷ در گام اول پیام آور شفافیت بود و تا حدی برای رسیدن به اقتصاد آزاد ما را امیدوار کرد. لایحه بودجه اگرچه در ذات خود دارای اشکالاتی بود اما با توجه به نورافشانی رییس جمهور به لایحه‌های پنهان این بودجه، مشخص شد که دست دولت تا چه اندازه در تخصیص بهینه منابع بسته است و حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از محل درآمدهای نفتی و مالیات را باید به چه نهادهای و مراکزی پرداخت کند. لایحه که به مجلس رسید دخل و تصرف بر آن زیاد شد تا جایی که برخی دولتمردان اعلام کردند روح بودجه از آن خارج شده و روحی دیگر در پیکر نخستین بودجه دولت دوازدهم حلول پیدا کرده است. از این رو پیشنهاد شد که با دولت لایحه را پس بگیرد، یا اجرا نکند یا با بازبینی نمایندگان بیش از ۸۰ درصد آنچه را که پیشنهاد داده در درون آن نگه دارد. آنچه از مصوبات کمیسیون تلفیق می‌توان رصد کرد این است که نمایندگان آگاهانه و با برخی منافع سیاسی روند اصلاح قیمت‌ها را از دستور کار خارج کرده و روی به تثبیت قیمت‌ها آورده‌اند. در چنین شرایطی کار برای آزادسازی اقتصاد که فرآیندی بلندمدت بوده و مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اصلاحات را در طول چند سال در بر می‌گیرد سخت شده است. آزادسازی اقتصاد و رسیدن به قیمت‌های تعادلی در بلندمدت معنا پیدا می‌کند و اگر در سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به عنوان مثال بودجه‌های یک ساله، تغییرات انجام نشود، نمی‌توان امیدوار بود که جریان آزادسازی و رقابت‌پذیری در یک اقتصاد رخ داده است. نمی‌توان از یک سو جلوی اصلاح قیمت‌ها را گرفت و به واقعی‌سازی آن بی‌توجهی کرد و از سوی دیگر شعار آزادسازی اقتصاد و رقابت‌پذیر کردن آن را سر داد. به نظر می‌رسد در این میان، دولت و حتی شخص رییس جمهور آن گونه که باید یا سند مالی که خود آن را تقدیم مجلس کرده بود، نایستاد و نتوانست از آن دفاع کرده و برنامه‌ای که تحت نظر دارد را پیاده کند. نتیجه آن می‌شود که روند اصلاح در برخی بازارهای مهم از جمله انرژی و ارز به تعویق بيفتد و منافع بلندمدت اقتصادی را ضایع کند. توقع بر آن بود که رییس جمهور در سخنان دوشنبه شب خود در خصوص بودجه ۹۷ توضیحات بیشتری ارائه دهد و به شفاف‌سازی‌های بیشتری روی می‌آورد اما دیده شد که فقط سه برنامه برای نوسازی بافت‌های فرسوده، نوسازی ناوگان حمل و نقل و ایجاد اشتغال ارائه شد بدون آنکه از منابع آن نام برده شود. البته ما بیرون از دولت هستیم و نمی‌دانیم در درون حاکمیت چه می‌گذرد و چرا رییس جمهور ترجیح می‌دهد با محافظه‌کاری درباره بودجه سخن بگوید اما به عنوان کارشناسی که اقتصاد ایران را مورد مطالعه قرار می‌دهیم برای مان مثل روز روشن است که نمی‌توانیم با تثبیت قیمت‌ها در بازار ارز و انرژی اصلاحات عمیقی در اقتصاد به وجود آوریم. وظیفه دولت آن است که به منظور رسیدن به برخی اهداف اساسی خود در اقتصاد تبعات اجرایی آن را بپذیرد و با متأسفانه دیده می‌شود که چنین اراده‌ای در دولت وجود ندارد و همین دلیل روند اصلاح قیمت‌ها به تعویق افتاده است. در چنین شرایطی نمی‌توان امیدوار بود دولتی که تنورسین‌های اقتصادی آن عمدتاً طایفه‌داران اقتصاد آزاد به شمار می‌آیند بتوانند اقتصاد ایران را به سمت آزادسازی و بلندمدت سوق دهند. اقتصاد ایران در حال حاضر برای تأمین منابع خود نیاز به اصلاح پلکانی قیمت‌ها دارد و ضرورت است تا یکسان‌سازی قیمت ارز را در دستور کار خود قرار دهد. بدون انجام این اصلاحات عملاً بخش منابع در آمدی دولت با ما و اگر مواجه خواهد بود و دولت قادر نیست تا بدون اخذ مالیات و فروش نفت از محل‌هایی دیگر در آمد لازم و کافی برای اجرای پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های جدید داشته باشد.

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اه‌ان

هزینه حفظ سرزمین

فعالیت‌هایی که در ارتباط با تثبیت کانون‌های ریزگرد انجام می‌شوند هزینه بالایی دارند و اختصاص دادن ۱۵۰ میلیون دلار برای رفع مشکل ریزگردها در خوزستان بسیار مهم است، هر چند که این اقدام باید خیلی وقت پیش تر شروع می‌شد اما به دلیل پارهای از محدودیت‌ها به آن توجه نشد و نتوانستیم کار را آغاز کنیم. حالا هم می‌شود گفت که هر قدر این بحث عقب بيفتد، مشکلات هم حادتر خواهند شد. بنابراین علاج‌بخشی لازم است، باید حواس‌مان باشد که ناپایداری‌های سرزمین‌مان از هر جهت بر طرف شود. کشور ایران چالش‌هایی در ارتباط با منابع طبیعی دارد؛ تقاضاهایی برای استفاده از منابع زیستی به وجود آمده، چه به لحاظ جمعیتی و چه به لحاظ فعالیت‌های مختلف و همین‌ها باعث شده‌اند که کانون‌های ناپایدار در کشور ایجاد شوند از جمله همین کانون‌های ریزگرد. مسلم است که در یک بررسی به هم پیوسته از لحاظ منابع طبیعی و منابع زیستی هر کدام از اینها سهم خود را نشان می‌دهند. نمی‌توانیم به این موضوع نگاهی تک‌بعدی داشته باشیم. حالا اختصاص بودجه برای حل مشکل ریزگردها شروع خوبی است، به خصوص که پشتیبانی‌های سیاسی هم در پشت پرده به حل مساله قرار گرفته است و رییس جمهور به شدت دار آن را دنبال می‌کند. مردم خوزستان در شرایط بسیار سختی به سر می‌برند، زندگی‌شان شرایط نامتعارفی دارد و در چنین موقعیتی علاوه بر عزم سیاسی، مردم هم باید کمک کنند، همراهی کنند تا این پروژه بتواند به موفقیت برسد، پروژه بزرگی که انجام آن کار ساده‌ای نیست اما شروع کار را باید به فال نیک گرفت. از همراهی مردم که صحبت می‌کنیم در واقع داریم در مورد صبر و زمان حرف می‌زنیم. این پروژه بدون شک زمانبر است، دلبین آثار آن به این زودی‌ها احتمالاً میسر نیست و برای همین است که مردم خوزستان باید تحمل و همراهی کنند، همان گونه که در تمامی این سال‌ها تحمل کرده‌اند و حالا شاید لازم باشد که باز هم بیشتر صبوری کنند تا بتوان پروژه را کامل اجرا کرد. سبوی دیگر این موضوع هم بحث کانون‌های خارجی است که دی‌پلماسی و گفت‌وگو می‌طلبد و آقای رییس جمهور احتمالاً میسر نیست و برای همین است که مردم خوزستان باید تحمل و همراهی کنند. بحث ملی است، برآمده از منابع طبیعی و زیستی کشور که ناپایدار شده‌اند. از این به بعد هر فعالیتی که در کشور انجام می‌شود هر نوع بارگذاری جمعیتی باید با توجه به حفظ و پایداری این منابع باشند. اگر هر فعالیتی اعم از اقتصادی و خدماتی و اجتماعی قرار باشد به ناپایداری محیط زیست دامن بزند طبیعی است که باید منتظر خشم محیط زیست باشیم؛ خشمی که در همین بحث ریزگردها نمونه‌اش را دیدیم. کانون‌های مشخص شده در خوزستان باید تثبیت شوند، چه با کاشت درختان و چه با مالچ پاشی. بودجه‌ای که قرار است صرف حل مشکل ریزگردها شود احتمالاً در اولین گام اجرای این روش‌های تثبیتی را دنبال خواهد کرد و در اجرا برش بر اساس یک طرح مهندسی و مبتنی بر منابع طبیعی عملی خواهد شد. اراضی که الان به عنوان کانون‌های گرد و غبار معرفی شده‌اند باید از نظر طوبیت خاک به جایی برسند که رها بودن‌شان وجود نداشته باشد. این یک بحث جدی فنی است و متخصصان باید بیشتر برای حل این مساله به کار گرفته شوند. حل مشکل ریزگردها به نوعی نجات سرزمینی است. اجرای آن از وظایف حاکمیت محسوب می‌شود و باید هزینه‌اش را هم بپردازیم. با توجه به مراجلی که اجرای این پروژه دارد به نظر می‌رسد که باید در مقطعی از کار هزینه باید کرد و نحوه اجرا به مردم گزارش شود. این گزارش در سطح ملی به مردم نشان خواهد داد که اتفاقی دارد رخ می‌دهد و پیشرفت در حال انجام است. این گزارش را در راستای پاسخگویی و شفافیت باید ارائه شوند و گر نه گرد و غبار چیزی نیست که بتوان آن را در گزارش‌ها پیداو پنهان کرد، گرد و غبار اگر کار به خوبی پیش نرود خودش را نشان می‌دهد.

عضو هیات مدیره انجمن علوم و مهندسی منابع آب

نسبت اعتماد عمومی با مطالبات مردمی

وزارت کشور روز گذشته به تشریح برخی محورهای گزارش حوادث اخیر به رییس جمهوری پرداخت و اصلاح سه گانه سه روز این حوادث را «دشمنان خارجی»، «کاهش اعتماد عمومی» و «هدیریت ناصحیح افکار عمومی» عنوان کرد. در مورد دشمنان خارجی بسیار گفت‌وگو و واقعتاً این است که ما دشمنانی دایمی داریم و تا وقتی که اسلام، انقلاب و این نظام هست، دشمن با ما عداوت می‌کند و هیچگاه دست از دشمنی بر نمی‌دارد. در حالی که در یک رقابت سالم نیز همواره رقیب به دنبال هر فرصت برای ضربه زدن است، تکلیف دشمن و دشمنان مشخص است. اما فارغ از این نکته باید توجهی ویژه به دومین محور یعنی کاهش اعتماد عمومی داشته باشیم. مساله این است که امروز مردم نسبت به بسیاری از سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای اعتماد نداشته و با توجه به عملکرد دشان طی دهه‌ها و سال‌های گذشته این بی‌اعتمادی طبیعی است. به این اعتبار همین عملکرد ضعیف در ۴ دهه گذشته منجر به کاهش اعتماد عمومی نسبت به مسوولان شده و واقعیت این است که مردم به یک میزان نسبت به مسوولان اجرایی، تقنینی، قضایی و... بی‌اعتماد شده‌اند.

متأسفانه طی دهه‌های گذشته نتوانستیم آن چنان که در شأن نظام، مردم و انقلاب بود، رضایت جامعه را جلب کنیم و واقعیت این است که این گفته که برخی مسوولان توقع مردم را بالا برده‌اند، درست نیست. آن مرد نباید بعد از ۴۰ سال، مطالبه یک زندگی بی‌درسر و آرام را داشته باشند. آن هم در شرایطی که امروز بخشی از جامعه حتی قدرت خرید ما محتاج اولیه خود را ندارد؟ امروز زمان آن رسیده که از شعارزدگی بپرهیزیم و واقعیت‌ها را ببینیم. البته مدیریت ناصحیح افکار عمومی نیز یکی دیگر از دلایل بحران در جامعه است و متأسفانه صداوسیما در این سال‌ها عملکردی ضعیف داشته و نتوانسته آحاد مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان را جلب کند. در گزارش‌های مختلف درباره اعتراض‌های اخیر، بارها تکرار شده که ۸۴ درصد بازداشت‌شدگان در اعتراض‌های اخیر زیر ۳۵ سال سن داشته و فاقد سابقه امنیتی بودند و از طرفی عنوان می‌شود که میزان تحصیلات در صد عمده این افراد دیپلم و زیر دیپلم بوده است. آماری که تاحدودی متناقض است؛ چرا که اتفاقاً عمده جوانان، افرادی تحصیل کرده هستند. باین همه، در حالی که عمدتاً در تحلیل وضعیت سنی معتزان، به این وجه دقت می‌شود که این افراد در گیر احساسات شده و به دلالت احساسی وارد میدان شده‌اند اما این نکته مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد که همین سن کم این افراد به‌معنای آن است که مطالبات آنها در سال‌های آینده باید مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه ما در دهه ۶۰ برنامه‌ای برای دهه ۹۰ نداشتیم. فکر نکردیم افرادی که در دهه ۶۰ به دنیا می‌آیند، در دهه ۹۰ شغل، ازدواج و مسکن می‌خواهند، ما به اینکه در دهه ۹۰ با سبیلی از جوانان مطالبه گر روبه‌رو خواهیم شد، فکر نکردیم و امروز باید به‌جای آنکه مشکلات را گردن مردم بیندازیم، به دنبال حل مشکلات و برآورده کردن توقعات مردم باشیم. از طرفی در حالی احساساتی شدن این افراد به عنوان عامل حضورشان در تجمعات اعتراضی مطرح می‌شود که به این مهم بی‌توجهیم که چند دهه قبل، همین جوانان زیر ۳۰ سال ایرانی بودند که به میدان آمده و انقلاب را به ثمر رساندند و چند سال بعد در خط مقدم جبهه‌ها، از مرزهای این سرزمین دفاع کردند. فرماندهان جنگ ما با کوری‌ها و هم‌تا از همین جوانان زیر ۳۰ سال بودند و امروز هم باید جوابگوی احساسات جوانان نسل جدید باشیم. فراموش نکنیم این مردم شریف ما با بوده و هستند که همیشه وفادار به انقلاب و نظام، پای کار ایستادند و همیشه مدافع این مملکت بودند. قطعاً خواسته‌های این مردمی که برای این نظام و انقلاب شهید دادند، مطالباتی به حق و قانونی است و وقتی این مطالبه‌ها برآورده نشود، طبیعتاً اعتماد عمومی خدشه‌دار می‌شود.

عضو شورای مرکزی فرانکسیون امید مجلس

پول توجیبی و بودجه شورای نگهبان

اگر بخواهیم در میان نهادهای موجود کشور یکی را مهم‌تر از سایر نهادها معرفی کنیم، به نظر ما باید میان دستگاه قضایی و شورای نگهبان یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. اهمیت این دو نهاد، حتی قابل مقایسه با مجلس و دولت نیز نیست. در این یادداشت، فعلا شورای نگهبان را ترجیح می‌دهیم؛ شورایی که باید مظهر یک فرهنگ حقوقی و فقهی بالا باشد. شورایی که باید تصمیمات متفاوت است. فتاوی‌ای و او ادبیات فتوای خالی از تعلقات سیاسی و مادی باشد. قضات هم هم‌شان و متناسب با وجه قانونی آن باشد. برای نمونه هنگامی که می‌گوییم یک نفر مرجع تقلید است، این امر بدان معناست که همه اهل فن در باره لغت به لغت فتاوی‌ای این مرجع تقلید فکر و اظهار نظر و دقت می‌کنند. ادبیات یک مرجع تقلید از یک روحانی متوسط پاکیزه و دارای بار معنایی حقوقی و دقیق است. به دور از سیاست است. ادبیات یک مرجع تقلید نیز چنین است و نیز ادبیات شورای نگهبان باید از هر نظر شسته و رفته و به دور از کلمات غیر حقوقی و بر چسب زنی باشد.

متأسفانه باید گفت که برخی از اعضای شورای نگهبان و به‌طور مشخص سخنگوی محترم آن با چنین ادبیاتی آشنایی ندارند یا اگر آشناهم باشند علاقه‌ای در کار بردن آن ندارند. البته سخنگوی محترم قبلی این شورا به نوعی استثنا بود و شاید به همین دلیل نتوانست به کار خود ادامه دهد ولی سخنگوی کنونی شورای نگهبان را می‌توان با همین ادبیات به سخنگوی یک نهاد صراف سیاسی نیز تغییر بست داد. هر چند نهادهای سیاسی نیز بسیاری از امور را رعایت می‌کنند. اخیراً آقای سخنگوی شورای نگهبان در دفاع از بودجه این شورا اعلام کرد که «آنهاهی که انتقاد می‌کنند به سازمان برنامه و بودجه و دیوان محاسبات دسترسی دارند و می‌توانستند اطلاعات دریافت کنند ولی بودجه شورای نگهبان چیز زیادی بیشتر از پول توجیبی برخی از مسوولان نیست.» شاید برخی افراد در توجیه این نحوه ادبیات سیاسی و غیر حقوقی و حتی خارج از عرف، مدعی شوند که یک سهل‌انگاری و شاید شوخی در بیان منظور رخ داده است. در این باره باید گفت که ادبیات مبتنی بر شوخی نیز جایگاهی نزد این نوع نهادهای ندارد. حتی اگر بر اساس سهل‌انگاری بیان شده، باز هم جای تامل دارد که حتماً در پس ذهن آنان چنین چیزی هست که اکنون بیان شده است. جز این نکته در باره نقد این بیان باید به چند مورد دیگر نیز اشاره کرد.

۱- فرض کنیم که ارقام مورد نظر سخنگوی محترم شورای نگهبان به تعبیر دقیق پول توجیبی باشد. هر چند اگر هم نباشد، از این پس می‌تواند پول توجیبی تلقی شوند ولی آیا با پذیرش این فرض می‌توان نتیجه گرفت که بودجه شورای نگهبان باید از این رقم یا همان پول توجیبی بیشتر باشد؟ شورای نگهبان یا هر نهاد دیگر باید در برابر بودجه‌ای که می‌گیرد پاسخگوی تصمیمات خودشان باشند، نه اینکه بودجه را گوش‌خراشی فرض کنیم که هر کس سهمی بیشتر بطلد.

۲- نکته مهم ماجرا اینجاست که اگر پول توجیبی در بودجه وجود دارد، چگونه شورای نگهبان چنین بودجه‌ای را تصویب می‌کند؟ مگر معنا ندارد که مجلس به‌افراد پول توجیبی دهد و از آن مهم‌تر اینکه شورای نگهبان نیز آن را تصویب کند؟ این تعریض **ادامه در صفحه ۰۳** آشکار نه فقط به مجلس و نمایندگان آن است، بلکه زیر سوال بردن شورای نگهبان در انجام وظایف خویش نیز هست. زیرا پول توجیبی معنای خاصی دارد که به‌طور قطع تخصیص چنین بودجه‌ای برای هر مقامی خلاف مقررات و قانون اساسی است.

پوشاک نسل امروز ... و فردا

maxim

روابط عمومی و بازرگانی: ۸۸۸۸۸۱۱۵
www.maximiran.com @maximclothes

برادر کاکلش آتشفشونه

آفتاب از جنوب می‌آید

از غمت دیده مردم همه دنیا باشد

از سرزمین نعل‌ها و قلین‌ها

دعوت به مراسم گردن‌زنی

نویورک علیه ترامپ

شرکت خدمات مسافرتی پرسپولیس ۸۳۰۵

الیت گشت ۸۸۴۰۲۰۸۰

توجه به صفحه ۱۵

جناب آقای محمد کلدوست

مصیبت وارده را تسلیت گفته، برای آن مر حومه غفران و آمرزش الهی و برای شما و خانواده محترم تان صبر و سلامتی آرزومندیم.

همکاران شما در روزنامه اعتقاد

اعتقاد

ETEMAAD ONLINE

www.EtemaadOnline.ir